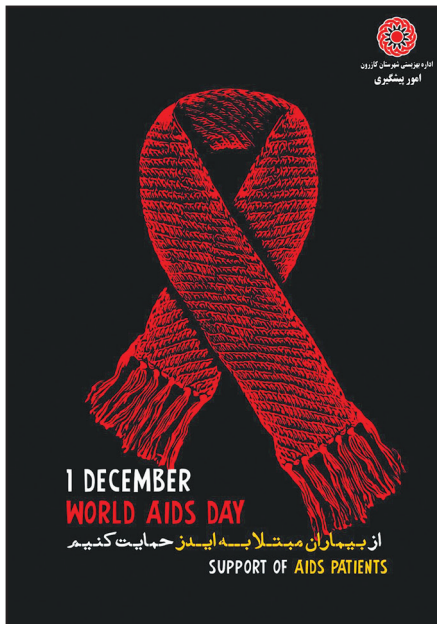




کیفیت زندگی مبتلایان به اچ آی وی

محمد طاهری (کارشناس مسئول امور پیشگیری) و هادی شفیعی سیف‌آبادی (کارشناس روانشناسی اورژانس اجتماعی) اداره بهداشتی شهرستان کازرون



بیماری ایدز (HIV/AIDS) که نقص سیستم ایمنی بدن است، اولین بار در سال ۱۹۸۱ گزارش شد، به خاطر انتشار سریع، گستردگی و شدت اثر آن در تاریخ بشر منحصر به فرد است.

افزایش شیوع عفونت اچ آی وی، بیماری ایدز در دهه‌های اخیر بار سنگینی بر بسیاری از خدمات بهداشتی جامعه تحمیل نموده و باعث مرگ تعداد کثیری از مبتلایان شده است، چنانکه روزانه ۷۰۰۰ نفر در دنیا به عفونت اچ آی وی آلوده می‌شوند. در ایران نیز، طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی، شیوع بیماری ایدز در حال افزایش است؛ به طوری که

در گروه‌های پرخطر به بیش از ۵ درصد رسیده است. در حال حاضر بیشترین افراد مبتلا را متادان تزریقی تشکیل می‌دهند، اما با توجه به جمعیت جوان کشور و میانگین سنی پایین مبتلایان، این الگو در حال تغییر است و سایر روش‌های انتقال، از جمله تماس جنسی و انتقال مادر به جنین، در حال جایگزین شدن هستند. در سال‌های آینده با تغییر این الگو، روند رو به رشد شیوع این بیماری در ایران سرعت بیشتری خواهد گرفت.

جوانان ایرانی به علت روابط جنسی کنترل نشده از نظر بهداشتی، شیوع بالای اعتیاد، فقدان آموزش جنسی، بالا رفتن سن ازدواج، ازدیاد سفرهای برون‌مرزی و مجاورت با کشورهای که در شمار مناطق پرخطر به حساب می‌آیند، در معرض خطر جدی قرار دارند. همچنین آموزش جنسی درباره ویروس ایدز در مدارس و دانشگاه‌های ایران جای چندانی ندارد. از سوی دیگر بررسی‌های انجام‌شده توسط مرکز مدیریت بیماری‌های وزارت بهداشت، بیانگر سرعت افزایش رفتارهای پرخطری است که می‌تواند زمینه‌ساز ابتلا به ایدز باشد؛ بنابراین آگاهی قشر جوان جامعه نسبت و پیشگیری از آن اهمیت بسزایی دارد.

امروزه کیفیت زندگی از چهارچوب‌های نظری موردقبول در بررسی شرایط زندگی بیماران مختلف به شمار می‌رود. سازمان بهداشت جهانی (World Health Organization) در سال ۱۹۷۴ کیفیت زندگی را به‌عنوان ادراک افراد از موقعیتشان، نظام ارزشی و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند و در ارتباط با اهداف، انتظارات، معیارها و امور اساسی تعریف می‌کند.

کیفیت زندگی، مجموعه‌ای از منابع موجود یا بالقوه‌ای است که به‌عنوان یک مؤلفه کلیدی در سلامت عمومی به‌مثابه روح مبارزه

(Fighting spirit) همراه با امید به طول عمر برای فرد بیمار و به‌مثابه طرد انگ و تأثیر مراقبت‌های بهداشتی در فعالیت‌های روزانه فرد، حس خوب بودن و توانایی کنار آمدن وی با ابعاد بیماری شناخته می‌شود.

کیفیت زندگی مفهوله‌ای به‌طور کامل فردی و شخصی است (مثل توانایی فرد برای کنار آمدن با جامعه) که بر اساس شدت حمایت‌های اجتماعی خانواده و دوستان، بعضی بهتر با مسئله کنار می‌آیند. به‌طورقطع، حمایت عمومی به‌مثابه منابع مادی و روان‌شناختی قابل‌دسترس افراد از طریق ارتباطات بین فردی است.

افراد دچار ویروس اچ آی وی کیفیت زندگی پایین‌تری از جمعیت کلی دارند. کیفیت زندگی به‌عنوان یک مفهوم چندبعدی که رفاه عمومی یک فرد را نشان می‌دهد شامل کارکرد اجتماعی، فیزیکی، روانی و عاطفی می‌شود. عوامل روانی- اجتماعی مرتبط با کیفیت زندگی پایین شامل حمایت اجتماعی ضعیف، منابع محدود مالی و دسترسی کم به خدمات سلامت روان می‌شود.

ایدز یک بیماری است که تأثیر عمیقی بر کیفیت زندگی مبتلایان دارد. سلامتی، زندگی خانوادگی، فعالیت‌های گروهی و اجتماعی، پیشرفت اقتصادی و تکامل فردی ازجمله عواملی هستند که کیفیت زندگی فرد مبتلا را متأثر می‌سازند. مشکل عمده بیماران مبتلا به ایدز، مشکلات روانی اجتماعی می‌باشد و عواملی که در ارتباط با این مشکل مطرح می‌شوند شامل: سازگاری در رابطه با شغل و حرفه و کار مسئله عمده‌ای وضعیت اقتصادی، فرهنگی و فکری هستند؛ که در مورد مبتلایان به بیماری ایدز وجود دارد، طرد شدن آن‌ها از اجتماع و تبعیض است که به نحوی تکامل فردی آن‌ها را که ارتباط مستقیم با سلامت روانی دارد، تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد.

در این ارتباط می‌توان فشارهای روانی متحمل شده در اثر بیماری، میزان تطابق و سازگاری با این فشارها در شرایط متفاوت را نام برد. تغییرات شغلی، فشارهای اقتصادی ناشی از درمان و سایر روش‌هایی که فرد برای تأمین هزینه‌های درمان از آن‌ها بهره می‌گیرد. وجود هزینه‌های غیرمستقیم در این بیماران که برای درمان استفاده می‌شود، به‌طور بارزی بر کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر مهمی دارد، چراکه بیماری موجب از دست دادن شغل و بالا بردن هزینه‌های درمان در افرادی که کارشان را از دست داده‌اند می‌شود. بسیاری از مؤلفه‌های طردشدگی اجتماعی و تهدید کیفیت

دومین راه نقص کیفیت زندگی، تبعیض ناآگاهانه و ناعادلانه نسبت به آن‌ها است. سومین راه، اشکال ناخودآگاه انگ است که توسط افراد جامعه بی‌اختیار، یا بدون آگاهی رخ می‌دهد.

چهارمین راه، درونی‌سازی توسط افراد مبتلا به اچ آی وی، ایدز است که با گریز از درمان و پیامدهای مضر به شبکه بهداشتی اجتماعی آغاز و به خود پنداره ضعیف، علائم افسردگی و از دست دادن درآمد منتهی می‌شود. آخرین راه، مطالبی است که توسط محققین در پیش‌بینی واکنش رفتار منفی دیگران که به‌مرورزمان فشارهای روانی بیماران را فعال نموده است.

همچنین کیفیت زندگی با کاهش عملکرد زندگی روزمره کاهش پیدا می‌کند. حدود نیمی از افراد مبتلا به اچ آی وی مشکلاتی در زمینه مدیریت مستقل خویشتن در زمینه فعالیت‌های ایزاری زندگی روزانه تجربه می‌کنند. عملکرد زندگی روزمره که بر انجام فعالیت‌های روزمره و مهارت‌های زندگی مستقل دلالت دارد، شامل هشت زمینه عملکرد به‌قرار تهیه غذا، خانه‌داری، شستن لباس، توانایی استفاده از تلفن، حمل‌ونقل، توانایی مدیریت تجاری، خرید و در نهایت تبعیت دارویی می‌شود که البته مردان در سه معیار اول که شامل، وظایف زنانه است، شامل نمی‌شوند

حمایت اجتماعی به‌عنوان یک ساختار چندبعدی مرکب از تعلق به شبکه اجتماعی، رضایت ادراکی از حمایت، حمایت احساسی (احساس همدردی، مراقبت و اطمینان) و حمایت ایزاری (به دیگران کمک کردن و یا مراقبت از کودکان) توصیف شده است که به ارتقای سلامت بیمار و افزایش رضایت از زندگی وی کمک می‌کند.

رضایت از زندگی یعنی این که فرد احساس کند زندگی همان‌طور که باید باشد، هست. رضایت یک وضعیت ذهنی یا یک «هویت شناختی» است. وقتی انتظارات و نیازهای فرد در زندگی فراهم شود، فرد از زندگی رضایت دارد. پژوهشگران رضایت از زندگی را به‌عنوان یک مفهوم احساسی و ادراکی تلقی می‌کنند.

مستلزم رضایت از زندگی به‌عنوان تنها معیار کیفیت زندگی، بدین معنا است که یک زندگی خوب، بیش از رضایت‌مند بودن است و ابعاد دیگری مثل شادی، مفهوم زندگی، برآورده شدن نیازها و غیره را نیز به دنبال دارد.

عوامل عینی کیفیت زندگی، با عوامل خارجی زندگی شامل در بهره‌مندی از ثمرات توسعه است. شتاب گرفتن توسعه نابرابر و حذف هم‌زمان مبتلایان در این فرایند، به دو قسطی شدن و گسترش فقر و بدبختی در میان شمار روزافزون ایشان می‌انجامد که چنین انزوایی کیفیت زندگی غیرخود را از نظر دستیابی به منابع مشروع زندگی کاهش می‌دهد.

انگ به‌عنوان کیفیت زندگی یک فرد از نگاه دیگران «بی‌اعتباری قابل‌توجه» تعریف می‌کنند و مدعی هستند که نتایج این نگاه برای آن‌ها، رفتار ناعادلانه و غیرمصرفانه است که احساسی یا ادراک منفی فرد انگ خورده را هنگام تعلق به گروه به دنبال دارد. تحقیقات دانشگاه کلمبیا نشان داد که انگ، به پنج طریق در کیفیت زندگی مبتلایان به اچ آی وی، ایدز تأثیر سوء دارد.

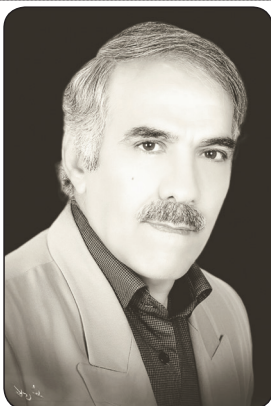
اولین راه، فرایند فشار روانی در تعامل تبعیض آمیز بین مبتلایان به اچ آی وی، ایدز و سایر افراد جامعه است که منجر به بدرقاری در محیط‌های آموزشی، یافتن شغل، خانه‌داری و مراقبت‌های بهداشتی می‌شود و آثار نامطلوبی به همراه دارد.

«دین در تفکر مولوی»

بررسی افکار و عقاید، جلال‌الدین محمد بلخی

قسمت سوم

محمد رحیمی



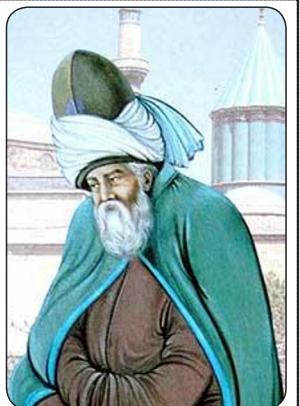
پس دروغ و عشوات را گوش کرد
گره گشت و زهر قاتل نوش کرد
کزدم از گندم ندانست آن نفس
میبرد تمیز از مست هوس
خلق مست آرزواند و هوا
زان پذیراند دستان ترا
هر که خود را از هوا خو باز کرد
چشم خود را آشنای راز کرد
شیطان هم در دفاع از خود گناه
را گردن انسان می‌اندازد که به
خاطر طمع و زیاده‌خواهی خود را
تباه می‌کند و گناه را گردن ابلیس
می‌اندازد، اگر انسان از حرص و
طمع اجتناب کند، به‌هیچ‌وجه فریب
نمی‌خورد؛ پس اختیار دست اوست!
ولی چون دل به دنیا و لذات زود گذر
آن بسته، در دام من می‌افتد!
مولوی به زیبایی این داستان را
بآذوق سرشار خود ساخته و قصدش
استواری معاویه در برابر القاتل
ابلیس است و در این داستان بیان
می‌دارد که شیطان عاجز از فریب
معاویه است؟!
بیدار کردن ابلیس معاویه را از خواب؛ دفتر دوم مثنوی
مولوی بخش ششم، پایان داستان
«قرار کردن ابلیس به عجز و ناتوانی خود، در فریب معاویه»
از بن ندانان بگفتش بهر آن
کردمت بیدار میدان ای فلان
تارسی اندر جماعت در نماز
از پی پیغامیر دولت فراز
گر نماز از وقت رفتی مر ترا
این جهان تاریک گشتی بی ضیا
از غیبین و درد رفتی اشکها
از دو چشم تو مثال مشکها
ذوق دارد هر کسی در طاعتی
لاجرم تشکیب از وی ساعتی
آن غیبین و درد بودی صد نماز
کو نماز و کو فروغ آن نیاز
گر نمازت فوت می‌شد آن زمان
می‌زدی از درد دل آه و فغان
آن تأسف و آن فغان و آن نیاز

در گاه حق شده و آشوب‌هایی که
در جهان برانگیخته:
گفت امیر او را که این‌ها راستست
لیک بخش تو ازینها کاستست
صد هزاران را چو من تو ره زدی
حفره کردی در خزینه آمدی
لنعت این باشد که سوزانت کند
با خدا گفتی شنیدی روبرو
من چه باشم پیش مکررت ای عدو
قوم نوح از مکر تو در نوحه‌اند
دل کباب و سینه شرحه شرحه‌اند
عاد را تو باد دادی در جهان
در فکندی در عذاب و اندهان
از تو بود آن سنگسار قوم لوط
در سیاهابه ز تو خوردند غوط
مغز نمود از تو آمد ریخته
ای هزاران فتنه‌ها انگیخته
عقل فرعون ذکی فیلسوف
کود گشت از تو نیاید او وقوف
بولهب هم از تو ناهلی شده
بوالحکم هم از تو بوجهلی شده
ای برین شرحنج بهر یاد را
مات کرده صد هزار استاد را
ای ز فرزندهای مشکلت
سوخته دل‌ها سه گشته دلت
بهر مکرری تو خلاق قطره‌های
تو جو کوهی وین سلیمان ذرهای
کی رهد از مکر توای مختصم
غرق طوفانیم الا من عصم
بس ستاره سعد از تو محترق
بس سیاه و جمع از تو مفترق
«دفتر دوم مثنوی معاویه»
بیدار کردن ابلیس معاویه را از خواب؛ بخش پنجم:
پاسخ ابلیس به معاویه:
گفت هر مردی که باشد بد گمان
نشنود او راست را با صد نشان
هر درونی که خیالندیش شد
چون دلیل آری خیالش بیش شد
چون سخن در وی رود علت شود
تیغ غازی دزد را آلت شود

جان بداند قدر ایام وصال
گفت پیغامیر که حق فرموده است
قصه من از خلق احسان بوده است
آفریدم تا ز من سودی کنند
تا ز شهدم دست‌آلودی کنند
نه برای آنک تا سودی کنم
وز برهنه من قیابی بر کنم
چند روزی که ز پیشم رانده‌ست
چشم من در روی خویش مانده‌ست
کز چنان رویی چنین قهر ای عجب
هر کسی مشغول گشته در سبب
من سبب را ننگرم کان حادثست
زانک حادث حادثی را باعثست
لطف سابق را نظاره می‌کنم
هرچه آن حادث دو پاره می‌کنم
ترک سجده از حسد گیرم که بود
آن حسد از عشق خیزد نه از جحود
هر حسد از دوستی خیزد یقین
که شود با دوست غیری همنشین
هست شرط دوستی غیر تیزی
همچو شرط عطسه گفتن دیر زی
چونک بر نطمش جز این بازی نبود
گفت بازی کن چه دانه در فرود
آن یکی بازی که بد من باختم
خویشتن را در بلا انداختم
در بلا هم می‌چشم لذات او
مات اویم مات اویم مات او
خود اگر کفرست و گر ایمان او
دستیاقت حضرتت و آن او
شیطان در توصیف خود به معاویه
می‌گوید: «من از آغاز مقرب در
گاه خدا بودم، هر چند که مرا از
درگاهش رانده، ولی مهرش از دلم
نرفته، درست است که در آن اتفاق
من بازنده بودم، اما دل از مهرش
نکندم و همچنان دلباخته و شیدایی
او هستم و از محبتش بهره‌مند!»
بیدار کردن ابلیس معاویه را از خواب و گفت‌وگوی آن‌ها:
دفتر دوم مثنوی مولوی بخش چهارم
پاسخ معاویه به ابلیس و برشمردن
کردار زشت و گمراه‌کننده و فریب
بندگان خدا، از زمانی که رانده‌ی

کار خیر مرا بیدار نکرده‌ای چون از
تو فقط کار شر ساخته برمی‌آید».
گفت و گوی معاویه با ابلیس:
دفتر دوم مثنوی معاویه بخش سوم
پاسخ ابلیس به معاویه:
گفت ما اول فرشته بوده‌ایم
راه طاعت را به جان پیموده‌ایم
سالکان راه را محرم بدیم
ساکنان عرش را همدم بدیم
پیشی اول کجا از دل رود
مهر اول کی ز دل بیرون شود
در سفر گم روم بینی یا ختن
از دل تو کی رود حب الوطن
ما هم از مستان این می‌بوده‌ایم
عاشقان درگه وی بوده‌ایم
ناف ما بر مهر او بریدنداند
عشق او در جان ما کاریده‌اند
روز نیکو دیده‌ایم از روزگار
آب رحمت خورده‌ایم اندر بهار
نی که ما را دست فضلش کاشتست
از عدم ما را نه او بر داشتست
ای بسا کز وی نوازش دیده‌ایم
در گلستان رضا گردیده‌ایم
بر سر ما دست رحمت می‌نهاد
چشمه‌های لطف از ما می‌گشاد
وقت طفلی‌ام که بودم شیرجو
گاهوار ما کی جنبانید او
از کی خوردم شیر غیر شیر او
کی مرا پرورد جز تدبیر او
خوی کان با شیر رفت اندر وجود
کی توان آن را ز مردم آگاهشود
گر عتابی کرد دریای کرم
بسته کی گردند درهای کرم
اصل تقدش داد و لطف و بخشش
قهر بر وی چون غباری از غشست
از برای لطف عالم را بساخت
ذره‌ها را آفتاب او نواخت
فرقت از قهرش اگر آبتستست
بهر قدر وصل او دانستست
تا دهد جان را فراقش گوشمال

گفت نام فاش ابلیس شقیست
گفت بیدارم چرا کردی بجد
راست گو با من مگو بر عکس و ضد!
۱. خال مؤمنان؛ دایمی مؤمنان؛ در جنگ صفین تعدادی از سپاهیان حضرت علی (ع) اسیر سپاهیان معاویه می‌شوند و او دستور می‌دهد همه را بکشند یک نفرشان به قاتلان می‌گوید: مرا نکشید که خواهرزاده‌ی امیرم و معاویه دایمی من است! به معاویه خبر می‌دهند.
می‌گوید: بیاوردهش ببینم، وقتی به حضورش می‌رسد معاویه می‌گوید: بی‌شک اسلام آوردن معاویه قلبی نبوده وی سیاست‌مدار زیرکی بود و دید که بنی‌هاشم سال ۱۰ هجری قدرت را از بنی‌امیه گرفت. ۱۳ سال بعد یعنی سال ۲۳ هجرت عثمان که خود اموی بود به خلافت رسید و ۱۵ سال بعد امام علی (ع) که هاشمی بود به خلافت رسید در زمان عثمان معاویه چنان قدرتی گرفت که حاضر نشد با امام بیعت کند و با وی به جنگ پرداخت و پس از شهادت امام یعنی ۵ سال بعد از خلافت علی (ع) خلیفه شد و باز قدرت را به بنی‌امیه بازگرداند!
مولوی در تمجید و تکریم این موجود بلید و پلشت؛ معاویه بن ابی سفیان در دفتر دوم مثنوی این‌گونه آورده: بیدار کردن ابلیس معاویه را از خواب
در خیر آمد که «خال مؤمنان»
خفته بد در قصر بر بسترستان
قصر را از اندرون درسته بود
کز زیارت‌های مردم خسته بود
ناگهان مردی ورا بیدار کرد
چشم چون بگشاد پنهان گشت مرد
گفت اندر قصر کس را ره نبود
کیست کاین گستاخی و جرئت نمود
گرد برگشت و طلب کرد آن زمان
تا بیدار یزدان پنهان گشته نشان
او پس در مدبری را دید کو
در پس پرده نهان میکرد رو
گفت هی تو کیستی نام تو چیست



ادامه دارد...